سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۲۱ ■ یکشنبه ■ ۱۷ مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۲ | اذان مغرب ۱۷/۵۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۶

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید.
نهج‌الفصاحه، ص ۶۹، ح ۳۶۰

مرتب کار می‌کنم و این را وظیفه‌ام می‌دانم

احمدرضا احمدی: وقایع متعددی در زندگی من رخ داده است که قطعاً در مسیری که تا به امروز در ادبیات پیموده‌ام بی‌تأثیر نیست؛ تولدم با جنگ جهانی دوم توأم بود، سال‌هایی که در کرمان بودیم وقتی پنج ساله بودم و زمانی که جنگ تمام شده بود (اثراتش تمام نشده بود) سربازان هندی از شهر ما می‌گذشتند و می‌رفتند و آن سال‌ها یک بیماری به نام تب راجعه را با خودشان آوردند که من هم مبتلا شدم. در ۱۳ سالگی‌ام ۲۸ مرداد رخ داد و در سال‌های بعدی و جوانی، انقلاب و جنگ خودمان را دیدیم که شاید نسل‌های قبل این وقایع را ندیدند. این موضوع باعث شد که در شعر فارسی ساخته شویم و چیزهای تازه وارد کنیم. درباره فعالیت این روزهایم نیز باید بگویم، امروز در ۸۲ سالگی، همچنان کار می‌کنم و چهار کتاب در دست غلط گیری دارم که جلدهای آن آماده است؛ مرتب کار می‌کنم و این را یک وظیفه می‌دانم.

بخشی از گفته‌های بنیانگذار سبک موج نو در شعر معاصر ایران با ایرنا

وای که چقدر شادی انسان را خوشرو و زیبا می‌کند. عشق در دل می‌جوشد و آدم می‌خواهد همه شادمان باشند، همه بخندند و این شادی بسیار مسری است.

شب‌های روشن
فئودور داستایفسکی
سروش حبیبی

نگاره
حمید صوفی

بشر همیشه سردرگم

لف و نشر

اصحاب فرهنگ و هنر در فصل پاییز هم پرکارند. تازه‌های خبر آثار جدید هنرمندان را با هم مرور می‌کنیم.

■ **یاد**

امروز ۱۷ مهرماه مصادف است با سالروز درگذشت **محمدعلی جمالزاده** نویسنده و مترجم ایرانی که بحق لقب پدر داستان‌نویسی کوتاه ایران را دارد.او داستان فارسی را با اصول و قواعد داستان اروپایی ترکیب کرد و از طنز بی‌نظیر خود نیز به آن افزود تا آثاری ماندگار مانند «فارسی شکر است» بیافرینند. «یکی بود، یکی نبود» و «سروته یه کرباس» از مشهورترین کتاب‌های جمالزاده هستند. جمالزاده با انتشار یکی بود یکی نبود، زمینه‌ای برای ادبیات رئالیستی در ایران پدید آورد. او به‌خوبی توانست اصطلاحات و تعابیر عامیانه مردم کوچه و بازار را به نوشته‌های خود داخل کند و با این کارش موفق شد سبک جدیدی را به‌عنوان داستان کوتاه بنیانگذاری کند. او شخصیت‌های مختلفی را وارد داستان‌هایش می‌کند که همگی تیپ و به نوعی نماینده بخشی از جامعه هستند. اما شخصیت‌پردازی‌هایش چنان استادانه است که مخاطب با خواندنش حس می‌کند شخصیت‌ها را می‌شناسد.

جمالزاده عمری طولانی داشت و ۱۰۶ بهار را به چشم دید. اما از تمام این سال‌ها، تنها ۱۳ سال در ایران زندگی کرد. او کار نوشتن را با نام مستعار شاهرخ، در مجله کاوه آغاز کرد که در برلین منتشر می‌شد. «فارسی شکر است» داستان کوتاهی است که اولین بار در این نشریه به چاپ رسید و بعداً در کتاب« یکی بود، یکی نبود» منتشر شد. محمدعلی جمالزاده پژوهش و ترجمه نیز می‌کرد و نامه‌نگاری‌هایی نیز از او به‌جا مانده است.

■ **دیگه چه خبر**

نرگس آبیار که چندماهی است درگیر سریال سووشون است و در حال تولید آن است، در اواخر مردادماه امسال، مجوز ساخت این سریال را دریافت کرد، حالا مجوزهای سینمایی این کار را نیز خواهد گرفت. احتمالاً کار به‌صورت سریال برداشت شده و از دل آن، یک فیلم سینمایی روانه اکران می‌شود. آبیار به همراه تیم خود، ماههاست که برای تولید سووشون در شیراز به سر می‌برد.

محمدعلی باشه آهنگر که ۵ سال از آخرین ساخته او یعنی سرو زیر آب می‌گذرد نیز برای سینما متروپل، پروانه ساخت گرفته است.

«سرنگ ثریا»، نخستین ساخته **لیلی عاج** است. این هنرمند، پیشتر، نمایشنامه سالی که دوبار پاییز شد را به رشته تحریر درآورد و کارهای موفقی چون شب، کمیته نان، خواب زمستانی و قندخون را به روی صحنه برد.

بهرام شاه محمدلو تهیه‌کننده، کارگردان و راوی قصه‌های «زیر گنبد کبود» که قرار بود بعد از چند دهه این مجموعه را دوباره به تولید برساند بیان کرد که همچنان منتظر اسپانسر است. اودرباره چرایی به تعویق افتادن تولید این مجموعه نمایشی در سخنان کوتاهی گفته: «در حال حاضر منتظر اسپانسر و سرمایه‌گذار هستیم، اگر سرمایه‌گذار فراهم شود وارد تولید خواهیم شد.»او درباره اینکه قرار نیست بودجه‌ای از طرف صداوسیما برای این اثر تأمین شود؟ عنوان کرد: «تا الان بودجه‌ای فراهم نبوده است.» شاه محمدلو درباره متن این مجموعه و اینکه برای تولید آماده است یا خیر اظهار کرد: «بخشی از کار آماده است و با حضور سرمایه‌گذار به تولید خواهد رسید.»

یک هنرمند امریکایی در اقدامی خلاقانه مجسمه‌های نقاشی شده انتزاعی را به باغ گیاه‌شناسی ایالتی و درختکاری تگزاس آورده تا از این طریق به گرده افشانی حشرات کمک کند. آستین کرونیکل نوشته: «چیدمان جدید آلیشیا فیلی؛ هنرمند اهل آستین ۷۰ مجسمه چوبی نقاشی شده انتزاعی را به مسیر جنگلی دانشگاه تگزاس در باغ گیاه شناسی ایالتی و درختکاری آن آورده است. آثار پر جنب و جوشی که درختان را مزین به آنها کرده تا به گرده افشانی حشرات کمک کرده و دیدگان انسان را به شوق بیاورد.»

نشر مروارید کتاب «مولانا در برابر معمای جبر و اختیار» نوشته احمد کتابی را در ۲۶۸ صفحه و بهای ۱۵۰ هزار تومان منتشر کرده است. در کتابی که پیش روی دارید، نظریات مولانا در بابِ جبر و اختیار به تفصیل و با استناد به شواهدِ متعددِ مستخرج از مثنوی معنوی، فیه مافیه و دیوان شمس بررسی شده است.

شیدایی، عشق و خانواده

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

در دهه نود چند سریال پربیننده و شاخص از شبکه سه پخش شد که یکی از آنها «شیدایی» (محمدمهدی عسگرپور) بود. ترکیب عسگرپور، محمدرضا شفیعی تهیه‌کننده و سعید نعمت‌الله نویسنده، پیش از این سریال، در «جراحت» به تولید یکی از بهترین سریال‌های مناسبتی ماه رمضان منجر شده بود.

«شیدایی» دومین تجربه مشترک و متوالی این تیم، یک سریال خانوادگی با داستانی پرتعلیق و پیچیده بود که جذابیتش را درست از همان نقطه‌ای می‌گرفت که «جراحت» گرفت: نگاه متفاوت به موضوع خانواده و بحران‌های آن.

سعید نعمت‌الله در این دو سریال، با نمایش گسست‌هایی که در روابط خانوادگی حاکم است، فضایی تازه به تلویزیون آورد و سعی کرده بود روابط، مناسبات و شخصیت‌هایی جدید خلق کند.

در «شیدایی» این اتفاق به شکلی پخته‌تر افتاده، حمید (امیر جعفری) بدمنی است باورپذیر که برای منافع مالی دست به طرح و توطئه زده و طاها (عطا عمرانی) را قربانی سودجویی خود می‌کند. شخصیت‌پردازی و روند روایت قصه، از امتیازهای «شیدایی» است، اما شاید یکی از وجوه مهم آن خلق دو شخصیت جذاب و متفاوت زن باشد؛لیلا (گلاره عباسی) و افسانه (اندیشه فولادوند) که دو طیف متفاوت از زنان را نمایندگی می‌کنند. لیلا با ظاهری ساده و موجه، قرار است منجی عطا باشد و افسانه در نگاه نخست، زنی بی‌بند و بار و منفعت طلب است، اما روند قصه که پیش می‌رود تماشاگر هم با قدرت و استقلال شخصیت لیلا مواجه می‌شود، هم افسانه را به‌عنوان یک زن-مادر می‌پذیرد و دوست می‌دارد.

«شیدایی» و «جراحت» در یک دهه اخیر بارها از شبکه‌های مختلف پخش شده‌اند و شاید برای بیننده امروز تکراری به نظر برسند، اما تماشای یکی دو قسمت از این سریال‌ها، نشان می‌دهد که در ده سال گذشته بر سر مجموعه‌سازی تلویزیون چه آمده است و فضای تلویزیون

در گذشته فرصت تجربه‌گری به چه افراد و گروه‌هایی را می‌داده است. «شیدایی» طبق قاعده باید کهنه به نظر برسد، اما قصه و ساختار آن هنوز امتیازهایی دارد که آن را تماشایی می‌کند. بازی‌های خوب بازیگران اصلی، استفاده درست از عشق و رابطه عاطفی برای پیشبرد قصه و گره‌افکنی در آن و توجه به ذات انسان و چالش‌هایی که در روابط انسانی پیش روی ما قرار می‌گیرد این مجموعه را دیدنی کرده است. شخصیت‌های مثبت و منفی، باورپذیرند. لیلا که می‌توانست کلیشه‌ای و تخت باشد، قوی و بااراده تصمیم می‌گیرد و حتی جدایی را انتخاب می‌کند، افسانه تا مرز فروپاشی پیش می‌رود اما خود را می‌سازد و حمید که شاید یکی از جذاب‌ترین شخصیت‌های سریال باشد، ابعادی متفاوت از یک بدمن را به نمایش می‌گذارد.

محمدمهدی عسگرپور کارگردانی است که کارنامه سینمایی و تلویزیونی‌اش نشان می‌دهد، تجربه کردن در انتخاب موضوع و روایتگری را دوست دارد، اما «خانواده» و «زنان» در اغلب آثار او نقشی بنیادین و مهم دارند. تصویر خانواده ایرانی در سریال‌های «رهایم نکن»، «نفس گرم»، «جراحت» و «شیدایی»، با وجود اشکال‌هایی که به بعضی از این سریال‌ها می‌توان داشت به دنیای واقعی، مناسبات، عواطف و بحران‌ها نزدیک است؛ امتیازی که هر روز در سریال‌های سال‌های اخیر کمتر و کمتر می‌شود.

داستان‌گویی، راهی برای پرورش خلاقیت و ایده‌پردازی

درنگ

کیمیا کاظم‌زاده
عضو گروه سلامت و هنر شبکه جهانی یوسرن

از داستان‌نویسی و داستان‌سرایی همواره به‌عنوان هنری ارزشمند در طول تاریخ یاد شده است. پیشینه تاریخی داستان سرایی در کنار تأثیر بسزایی که در انتقال و حفظ فرهنگ و سنت‌های هر نسل داشته، ارزش آن را دوچندان می‌کند. همان طور که هنر در طول زمان دستخوش تغییراتی در سبک و سیاق شده است، داستان‌نویسی و داستان‌گویی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و در پی آن طیف وسیع تری از مخاطبان با این هنر ارزشمند همراه شده‌اند. از جمله این تغییرات می‌توان به اضافه شدن شاخه کودک و نوجوان به ادبیات داستانی اشاره کرد که شروع آن را از اواسط قرن هفدهم میلادی می‌دانند. با پیشرفت این شاخه، دانشمندان و متخصصان زیادی بر آن شدند که تأثیرات داستان گویی را بر کودکان ارزیابی کنند که در اینجا به اختصار به آن می‌پردازیم.

مطالعات نشان داده‌اند که داستان‌گویی برای کودک بویژه با صدای والدین، تأثیر چشمگیری در کاهش اضطراب و نگرانی‌های وی خواهد داشت. داستان‌گویی می‌تواند باعث افزایش قدرت تمرکز کودکان شود، از آنجایی که در کودکی جلب توجه کودکان برای مدتی نسبتاً طولانی، کار دشواری است این روش می‌تواند تمرینی مناسب بر این مهم باشد. در طول شنیدن داستان، کودک تلاش می‌کند تا شخصیت‌ها و اتفاقات را در ذهن خود مجسم کند و قدرت تصور وی افزایش می‌یابد و این منجر به بیشتر شدن خلاقیت و ایده‌پردازی در ذهن او خواهد شد.

از دیگر فواید داستان گویی برای کودکان می‌توان به افزایش مهارت‌های ارتباطی اشاره کرد. دایره لغات کودک زیاد می‌شود و مهارت بیشتری برای توصیف احساساتش به دست می‌آورد. همچنین اگر بعد از شنیدن قصه با والدین خود در رابطه با اتفاقات داستان بحث کند، این تأثیرات دوچندان می‌شود. داستان گویی به‌عنوان راهی فوق‌العاده برای افزایش حافظه کودکان نیز شناخته می‌شود. والدین می‌توانند با پرسیدن سؤالاتی در رابطه با جزئیات روند قصه، این تأثیر را افزایش دهند. علاوه‌بر این، از قصه می‌توان به‌عنوان ابزاری برای یادگیری کودک استفاده کرد. اگر مفاهیم اخلاقی مثل مهربانی، صداقت و خردمندی یا مفاهیم مربوط به فرهنگ و سنت‌ها را در قالب داستان به کودک آموزش دهیم نقش ماندگارتری بر ذهن او خواهد بست.

از دیگر موارد قابل تأمل این است که اگر والدین اتفاقات کودکی خود را در قالب داستانی برای فرزندشان تعریف کنند، کودک احساس نزدیکی بیشتری به آنها خواهد کرد که این کار افزایش اعتماد به نفس وی را در پی دارد. خوگرفتن کودک به کتاب باعث می‌شود در بزرگسالی علاقه بیشتری به مطالعه و کتابخوانی نشان دهد که مسأله بسیار مهمی خواهد بود.

علاوه‌بر موارد ذکر شده، داستان‌نویسی می‌تواند نقش چشمگیری در روند درمانی کودکان بیمار ایفا کند. در مطالعه‌ای، شصت کودک بیمار را به دو گروه مجزا تقسیم کردند. شب قبل از جراحی برای گروهی از این کودکان به مدت سی دقیقه کتاب‌های داستان مصور خواندند و به وضوح مشاهده شد که اضطراب و نگرانی این کودکان نسبت به گروه دیگر در روز جراحی کمتر است. همچنین مطالعه دیگری نشان می‌دهد که قصه‌گویی در طول زمان بستری کودکان در بیمارستان، شکایت از درد را در آنها کاهش داده و باعث کاهش هورمون کورتیزول و در پی آن کاهش درد و افزایش هورمون اکسی توسین و به‌دنبال آن افزایش احساسات مثبت در این کودکان می‌شود.

پرجاذبه و بشدت سینمایی

پیشنهاد

پژمان خلیل‌زاده
منتقد سینما

بالاخره پس از چند سال که خبر تولید بحث‌برانگیزترین سریال کمپانی آمازون و تاریخ تلویزیون و سیستم آنلاین در قرن بیست و یکم رسانه‌ای شد، با پشت‌سر گذاشتن پاندمی کرونا، با یک سال تأخیر، پرهزینه‌ترین سریال تمام تاریخ حدود سه هفته پیش از سیستم نمایشی آمازون منتشر شد. سازندگان سریال «ارباب حلقه‌ها: حلقه‌های قدرت» قدم بسیار بزرگ و جسارت‌برانگیزی را برداشته‌اند چون اولاً سایه سنگین پیتر جکسون، خالق نسخه سینمایی «ارباب حلقه‌ها» و «هابیت» روی سرشان قرار داشته و دارد. ثانیاً منبع اقتباس‌شان که از مجموعه رمان‌های جی.آر. آر. تالکین است مربوط می‌شود به مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بخش داستانی جهان ارباب حلقه‌ها؛ یعنی ماجراها و اتفاق‌های دوران دوم سرزمین میانه که بسیار اهمیت بالایی دارد. روایتی که درست هزاران سال قبل از ماجرای حلقه و فرودو و گاندولف و سایرین به وقوع پیوسته است.

■ **نام سریال:** The Lord of the Rings: The Rings of Power
■ **شبکه اصلی پخش: پرایم ویدیو**
■ **بازیگران:**
مورفید کلارک
اسمیل کروز کوردوا
رابرت آرامایو
چارلز ادواردز
بنجامین واکر
سینتیا آدای رابینسون
ماکسیم بالدری و...

«ارباب حلقه‌ها: حلقه‌های قدرت» شروع پرجاذبه و بشدت سینمایی را به نمایش می‌گذارد. به بیانی از همان قسمت اول و دوم، مخاطب انبوه خود در سطح جهان را وارد چهارچوب روایی و داستانی خود می‌کند و کاراکتر بانو گالادریل را (با اینکه تمام بازیگران چهره مشهور نیستند) تا به اینجای کار (قسمت چهارم) در مرکزیت پیرنگ و داستانی اصلی، دراماتیزه و سمپات جلوه داده است.

تکنیک‌های دوربین و میزانسن و قاب‌بندی‌ها در هر قسمت بشدت سینمایی اجرا شده‌اند که در همین فراز، «ارباب حلقه‌ها: حلقه‌های قدرت» تاکنون قدرتمندتر از «خاندان اژدها» ظاهر شده است.

گستره وظیفه تولیدکنندگان این سریال به‌دلیل منبع بسیار مهم و درخشانش بسیار سخت و ظریف است، بخصوص اینکه قسمت مهم دنیای دوره دوم در جهان کتاب‌های ارباب حلقه‌ها را گزینش کرده‌اند که دایره قصه‌ها و محدوده اتفاقاتش از فصول پایانی رمان «سیلماریلیون» آغاز می‌شود و در رمان‌های «داستان‌های ناتمام»، «فرزندان هورین» و بخش‌هایی از «هابیت» و سه‌گانه «ارباب حلقه‌ها» به داستان‌های کلیدی دوران دوم اشاره می‌شود.

مجموعه کتب تالکین، نوعی کتاب مقدس برای عاشقان جهان فانتزی محسوب می‌شود که اکنون تمامی آن مخاطبان بسیار انبوه در سطح دنیا، در انتظار تماشای این سریال هستند که آیا می‌تواند نسخه‌ای بصری برای جهان ادبی تالکینی باشد یا خیر.

شناخت شرم

یک فنجان چای

رامتین ایمانی نوبر
روانشناس

فریدریش نیچه در غروب بت‌ها نوشت: «از چیزی ناشناخته به چیزی شناخته باز پس رفتن، سبک می‌کند، آرامش می‌بخشد، خشنود می‌کند و افزون بر این‌ها، احساس قدرت می‌دهد. ناشناخته با خود خطر و ناآرامی و دلشوره می‌آورد و نخستین غریزه آدمی در پی گریز از این وضع ناگوار است.» در سایه روشن‌های روزگار، در تقلا با امور گریزناپذیر و آینده‌ای مبهم و آن چیزهایی که به منزله قیل و قال روان می‌گذرد، شناخت ناشناخته‌هاست که می‌تواند یگانه چراغی در هزارتوی جهان تاریک و نمناک ذهنی باشد که نگریستن به آن و زیستن با آن کار آسانی نیست. یکی از آن تاریکی‌ها، احساس شرم است؛ و پی بردن به ادله این احساس، یعنی یافتن یکی از تکه‌های پازل شناخت انسان از خویش. از این رو ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس می‌گوید: «ما وقتی چیزی را می‌فهمیم که ذات-سرشت، کارکرد، فصل ممیز و غایت نهایی آن را دریافته باشیم و نیز دانسته باشیم که چگونه اوصاف عام دیگرِ آن از ذات آن سرچشمه می‌گیرد.» بنابراین در ابتدا می‌بایست به ریشه این واژه پرداخت که برآمده از کجاست. درواقع اعتقاد بر این است که واژه شرم(Shame) از یک کلمه باستانی به معنای «پوشاندن» آمده و در نتیجه، در لغت به معنای«پوشاندن خود» است. این احساس تقریباً خارج از کنترل فرد و منوط به عوامل بیرونی است که به او تحمیل می‌شود تا درونی گردد. در واقع احساس شرم با اخلاق، ارزش‌ها و تابوهای یک جامعه در ارتباط است و زمانی ایجاد می‌شود که فرد عملی را انجام دهد که با آن اخلاق‌ها و ارزش‌ها مغایرت دارد. از طرفی شرم می‌تواند از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و حتی از خانواده‌ای به خانواده دیگر متفاوت باشد، بنابراین واکاوی ریشه فرهنگی و اخلاقی یک خانواده و جامعه می‌تواند گام دیگری برای شناخت این احساس باشد. مرحله بعدی نیز می‌تواند دانستن تفاوت و سپس تفکیک شرم از احساسات دیگری مانند احساس حقارت، گناه و بویژه خجالت باشد که با شرم همپوشانی بسیاری دارند. دکتر نیل برتون، روانپزشک و فیلسوف بریتانیایی در خصوص خجالت می‌نویسد: «خجالت احساس ناراحتی است برای زمانی که جنبه‌ای از خودمان که توسط دیگران مشاهده یا تهدید می‌شود تا آشکار گردد، تجربه و همچنین فکر کنیم که این مکاشفه احتمالاً تصویری از خود را که می‌خواهیم به دیگران نشان دهیم، تضعیف می‌کند.» در واقع فرد خجل نسبت به اشتباهات اجتماعی یا فردی خود به عنوان نوعی بازخورد اجتماعی یا درونی احساس بدی پیدا می‌کند، بنابراین خجالت با یک تصویر اجتماعی همراه است. به طور کلی در خصوص تفاوت این دو می‌توان گفت: اولاً شرم ناشی از یک عمل غیرقابل قبول اجتماعی و خجالت ناشی از یک عمل نامناسب اجتماعی است که می‌تواند از نظر اخلاقی اشتباه نباشد. ثانیاً شرم به شخصیت کسی بستگی ندارد در حالی که خجالت ممکن است به ویژگی‌های شخصیتی بستگی داشته باشد. ثالثاً، شرم می‌تواند ناشی از یک عمل فردی ناشناخته برای دیگران باشد، در حالی که خجالت اغلب در نتیجه اطلاع دیگران از چنین عملی است. دکتر نیل برتون معتقد است که «احساس خجالت، شرم، گناه و حقارت همگی دلالت بر وجود نظام‌های ارزشی دارند. با این تفاوت که شرم و گناه اساساً نتیجه ارزیابی خود و بنیادی‌تر است درحالی که خجالت و حقارت اساساً نتیجه ارزیابی یک یا چند فرد دیگر است، حتی اگر فقط در فکر یا تخیل باشد. همچنین یکی از تفاوت‌های اصلی احساس حقارت و خجالت در این است که ما خجالت را بر خود وارد می‌کنیم، اما حقارت چیزی است که توسط دیگران بر ما وارد می‌شود. همچنین شرم که با توجه به استانداردهای ارزشی و اجتماعی، توصیف یک احساس بد نسبت به خویش است، احساس گناه براساس استاندارد فردی و به سبب مرتکب شدن یک عمل ناشایست ایجاد می‌شود.» با تمام این تفاصیل، کشف ولو ناچیزی از چرایی‌ها و چگونگی‌های شرمی که در خلوت‌ها نیز می‌تواند مایه رنج شود، به مثابه شناخت بیشتر انسان از خویش و رهایی از همان وضع ناگوار ناشناخته‌ای است که نیچه در ادامه جمله‌اش به عنوان اصل نخست از آن یاد می‌کند: «هرگونه ریشه‌یابی به از هیچ است، زیرا مسأله در اساس چیزی جز میل گریز از چنگ تصورهای آزاردهنده نیست.»

عکس نوشت

سریال خاطره‌انگیز و قدیمی «خانه ما» مجدد بازپخش می‌شود. این مجموعه تلویزیونی به کارگردانی مسعود کرامتی و به نویسندگی پیمان قاسم‌خانی و شادمهر راستین از چهارشنبه همین هفته برابر با ۲۰ مهرماه، هر روز ساعت ۱۷ از شبکه آی فیلم روی آنتن می‌رود. «خانه ما» در ژانر درام اولین بار سال ۷۹ از شبکه سه سیما در ۲۶ قسمت پخش شد. نام هریک از قسمت‌های این مجموعه برگرفته از نام فیلم‌های آلفرد هیچکاک، فیلمساز مشهور بریتانیایی است. /ایسنا